

از کشمیر تا کعبه؛ سفری به حج قدیمی ها

خالد بشیر احمد (نویسنده)^۱

لیلا عبدی خجسته (مترجم)^۲

چکیده

سفر با سعادت حج آرزوی دیرینه هر مسلمان هندوستانی بوده است. از رباط های ساخته شده تا آثار و هدایای هندوستانی در حریم شریفین، همگی دلالت به شیفتگی والهائیه این مردم به ارض مقدس است. در زبان اردو بیشترین سفرنامه های چاپ شده در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی درباره سفر به مکه معظمه و مدینه منوره است. از خلال سفرنامه های اردو و آرشوهای هندوستان، شیوه سفر حج مسلمانان این دیار تا حدی مشخص می شود: آداب و رسوم بدرقه و استقبال حاجی، اقدام برای دریافت گذرنامه زیارتی، مسیرهای رفت و برگشت، خطوط کشتی رانی و کرایه های آنها و سوغاتی. در این مقاله حج مسلمانان کشمیر هندوستان در قدیم بررسی شده است.

کلیدواژه ها: حج، هندوستان، مسلمان های کشمیر، سفر دریایی، بمبئی و کراچی - جده

۱. دکترای تخصصی از «دانشگاه اسلامی علیگر»، پژوهشگر اهل کشمیر هندوستان، مدیر پیشین بخش «اطلاع رسانی و روابط عمومی ایالت کشمیر»، معاون آکادمی هنر، فرهنگ و زبان های ایالت جمون و کشمیر.

lailaabdikhojaste@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری از دانشگاه سند، پاکستان.

مقدمه مترجم

دکتر خالد بشیر احمد، دارای مدرک دکتری از «دانشگاه اسلامی علیگر» و پژوهشگر اهل کشمیر هندوستان است. وی پیش‌تر مدیر بخش «اطلاع‌رسانی و روابط عمومی ایالت کشمیر» و معاون «آکادمی هنر، فرهنگ و زبان‌های ایالت جمون و کشمیر» بود و سال‌ها مدیریت شمار دیگری از کتابخانه‌ها، پژوهشگاه‌ها، آرشیوها، مراکز باستان‌شناسی و موزه‌های هندوستان را برعهده داشت.

دکتر خالد بشیر احمد به مناسبت ایام حج، در ذی‌الحجه ۱۴۳۹ قمری / سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی مقاله‌ای به انگلیسی در نشریه «گریتر کشمیر» (Greater Kashmir) منتشر کرد. این مقاله با عنوان: «The Journey of Faith in Yesterdays: Kashmir to Ka'ba» درباره حج‌گزاری مسلمانان کشمیر هندوستان در دوره‌های گذشته است.^۱ این مقاله جالب و پر معلومات با اجازه دکتر خالد بشیر احمد^۲، به فارسی ترجمه و تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود. همه مناطق یادشده در متن مقاله، بخشی از کشمیر هندوستان بوده یا هست.^۳

۱. این مقاله دکتر خالد بشیر احمد در لینک زیر به انگلیسی منتشر شده است:

https://kbahmad05.medium.com/kashmir_to_kaba_d45d8903b7b3

مقاله انگلیسی دکتر خالد بشیر احمد به طور خلاصه و کمی اشتباه به زبان اردو با عنوان «کشمیر تا کعبه» در نشریه «کشمیر عظمی» هم چاپ شد:

https://www.greaterkashmir.com/todays_paper/kashmir_to_kaba

مترجم، مقاله انگلیسی را به فارسی ترجمه کرده است.

۲. مترجم راه ارتباطی با دکتر خالد بشیر احمد پیدا نکرد. از این‌رو از دکتر محمد صدیق نیازمند، مدیر وقت گروه فارسی «دانشگاه کشمیر»، خواهش کرد که ایشان برای اجازه ترجمه با دکتر خالد صحبت کنند. در اینجا مترجم از هر دو بزرگوار ارجمند تشکر می‌کند.

3. https://www.greaterkashmir.com/todays_paper/kashmir_to_kaba

اصل مقاله^۱

نخستین گروه حجاج از شهر سری نگر - مرکز ایالت جمون و کشمیر، هندوستان - به تاریخ ۳۰ شوال ۱۴۳۹ هجری / ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۸ میلادی با هواپیما عازم شد.^۲ تعداد ۱۰۱۹۶ حاجی از ایالت جمون و کشمیر توسط «کمیته ایالتی حج»^۳ در این سال عازم شدند که ۸۲۰ حاجی از شهر سری نگر و ۸۴۵۰ حاجی از سراسر کشمیر بودند. آخرین هواپیمای زائران در ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۸ از شهر سری نگر حرکت کرد. نخستین هواپیمای حاجی های حج گزار در ۲۵ اوت ۲۰۱۸ و آخرین آنها در ۷ سپتامبر ۲۰۱۸ به سری نگر برگشت. توره های خصوصی هم هزاران حاجی هندوستانی و کشمیری را به حج بردند.

«کمیته ایالتی حج» در سال ۱۹۹۶ برای نخستین بار آژانس هواپیمایی برای زائران حج راه اندازی کرد و زائران شهر سری نگر در سال ۲۰۰۲ با هواپیما عازم شدند. در گذشته، رفتن به حج و برگشتن از این سفر معنوی دشواری های زیادی داشت. افراد کمی می توانستند هزینه مالی این سفر را پرداخت کنند. برخی از پارسایان از راه افغانستان، ایران و عراق با پای پیاده به حج می رفتند.

مکه معظمه و مدینه منوره برای همه مسلمان های جهان واجب الاحترامند. برخی هنگام راه رفتن در کوچه پس کوچه های آنجا کفش های خود را درمی آورند چرا که زمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا قدم های مبارکش را گذاشته بود. در سال ۱۹۶۰ یا ۱۹۶۱، غلام نبی نقاش، اهل ملک صاحب از توابع صفا کدل، وقتی از حج برگشته

۱. همه پی نوشت ها از دکتر خالد بشیر احمد است. هر جا توضیح بیشتری برای خواننده ایرانی لازم بوده است در «یادداشت مترجم» آمده است.

۲. در این مقاله هر جا «کشمیر» نوشته شده، مُراد کشمیر هندوستان است. (یادداشت مترجم)

3. State Haj Committee.

بود، پاهایش به قدری ورم کرده و پوسته پوسته شده بود که همسایگان حیرت زده شده بودند. یکی از همسایه های قدیم، به نام حاجی محمد جمال، دلیل این حالت را پرسید. غلام نبی گفت همین که به جدّه رسید دمپایی هایش را در دریا انداخت و در مکه معظمه و مدینه منوره با پای برهنه راه رفت.

تقریباً صد سال پیش حاجی علی جوکاتجو، از اهالی نعل بند پورا از توابع شهر سَری نگر، با پای پیاده به مکه معظمه رفت.

در گذشته های دور، نورشاه قادری از اهالی عیدگاه دَنگار پورا در شهر سَری نگر هم پیاده به حج رفت. ۸۰ سال پیش هم محمد سلطان از اهالی روستای چترگام (نزدیک شهر سَری نگر) پیاده به حج رفت و پس از مدّت زیادی به وطنش برگشت. «عبدالرحمان هم از زائران پیاده پایی بود که در دهه ۱۹۴۰ فریضه حج را به جا آورد. وی ده سال در مدینه ماند و آنجا به عنوان جاروگن کار می کرد. حاجی عبدالرحمان در سال ۱۹۴۸ همراه مسلمان های مهاجر تبتی به کشمیر برگشت و پیش نماز مسجدی در زانپا گدل از توابع شهر سَری نگر شد.^۱

داستان های جالبی درباره سفر رفت و برگشت حاجی های کشمیری وجود دارد. برای برگشت حاجی یکی دو سال منتظر می ماندند، اگر بر نمی گشت او را مُرده تصوّر می کردند و خانواده اش برای او مراسم ختم غائبانه ای برگزار می کرد. گاهی اتفاق می افتاد که حاجی مُرده، ناگهان با پای پیاده به خانه اش بر می گشت. محمد رجب سقا از اهالی منطقه بریا کجن شهر سَری نگر، که برایش مجلس ختم گرفتند، سال ها بعد به خانه اش برگشت. خانواده اش با دیدن او از شدت حیرت و خوشحالی نزدیک بود سخته کنند.

۱. داستان عبدالرحمان را جلال الدین شاه برای نویسنده مقاله در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۸ تعریف کرد.

به نظر می‌آید خیلی از افرادی که به حج می‌رفتند دیگر ماندن در آنجا را ترجیح می‌دادند^۱. نواب مصطفی خان شیفته در سفرنامه‌اش به این نکته اشاره کرده است.^۲

عازمان حج نیازی نبود که گذرنامه داشته باشند. از طرف معاون فرمانداری برای آنها «پروانه زیارت» (Pilgrim Pass) صادر می‌شد و اگر زائری «پروانه زیارت» خود را فراموش می‌کرد، در بندرگاه از سوی «کمیته حج» با پرداخت ۸ روپیه در بندر برایش صادر می‌شد. (کشمیری، ۱۹۵۸، ص ۵۵) همین‌طور اگر حاجی در منطقه خودش واکسن نزده بود، پیش از سوار شدن به کشتی، پزشک شهرداری کراچی به او واکسن می‌زد.



۱. مولوی علی شتیر (زادروز: ۱۸۸۲- درگذشت؟). سررشته دار امور اجرایی دیوان عالی حیدرآباد در هندوستان بود. او در کتابش «مزارات حرمین» نوشته است: «برخی از هندوستانی‌های ثروتمند با این فکر که عزیزشان در خوابگاه معلاً آسوده خواهد خوابید و کسی در استراحت او مزاحمتی نخواهد داشت، قیمت قبر یا ته‌خانه‌ها را پرداخت می‌کنند و برای ماندگاری قبر حقوق سالانه برای تکیه دارها تعیین می‌کنند». (شتیر، ۱۳۴۷ق، ص ۴۰-۴۱) (یادداشت مترجم)

۲. نواب مصطفی خان شیفته (۱۸۰۹-۱۸۶۹) در ۱۷ ذی‌الحجه ۱۲۵۴ قمری / ۲ مارس ۱۸۳۹ از راه دهلی، جی‌پور، آجمیر، چیتور، برودا و سورت به بمبئی و سپس حج رفت و در ۲۳ ذی‌الحجه ۱۲۵۶ قمری / ۱۴ فوریه ۱۸۴۱ میلادی به هندوستان برگشت. او با قافله بود و مادر و مادر بزرگش را به حج بُرد. چند روز پس از ادای حج این دو مادر فوت کردند و در جنت‌المعلی به خاک سپرده شدند. مصطفی خان شیفته سفرنامه‌اش را با عنوان: «ترغیب السالک إلى احسن المسالك المعروف به زه آورد» به زبان فارسی نوشت که در سال ۱۲۸۳ قمری / ۱۸۶۶-۱۸۶۷ میلادی از مطبع مصطفایی، شهر دهلی منتشر شد. برای نخستین بار سیدزین العابدین این سفرنامه را به زبان اردو ترجمه کرد که در سال ۱۳۲۷ قمری / ۱۹۱۰ میلادی از مطبع آگرا اخبار در شهر آگرا چاپ شد. (یادداشت مترجم)

INDIAN GOVERNMENT OF INDIA
PILGRIM-PASS for pilgrims proceeding to the Hedjaz from ports in British India.
PART I
 (to be retained by the holder throughout the journey).

Part of embarkation: **KARACHI**
 Registration Number of port of embarkation: **1637**

British Legation, Jeddah: **1637**
 Registration Number at Jeddah: **1637**

Name	Father's name	Profession	Age and sex	Complexion	Particulars as to the pilgrim's health, and any other particulars which may be necessary to be stated in connection with the issue of the pilgrim-pass.	Particulars as to the pilgrim's health, and any other particulars which may be necessary to be stated in connection with the issue of the pilgrim-pass.	Distinctions marks, or other description, or signature, or photo of holder (if any).
<i>Salam</i>	<i>Karim</i>	<i>Mansabdar</i>	<i>Male</i>	<i>Dark</i>	<i>Healthy</i>	<i>Healthy</i>	<i>None</i>
<i>Salam</i>	<i>Karim</i>	<i>Mansabdar</i>	<i>Male</i>	<i>Dark</i>	<i>Healthy</i>	<i>Healthy</i>	<i>None</i>
<i>Salam</i>	<i>Karim</i>	<i>Mansabdar</i>	<i>Male</i>	<i>Dark</i>	<i>Healthy</i>	<i>Healthy</i>	<i>None</i>
<i>Salam</i>	<i>Karim</i>	<i>Mansabdar</i>	<i>Male</i>	<i>Dark</i>	<i>Healthy</i>	<i>Healthy</i>	<i>None</i>

Particulars concerning anti-venereal inoculation certificate. (To be filled, if possible, at the time of the issue of the pilgrim-pass; otherwise at the time of registration at the port of embarkation.)

Particulars concerning anti-malarial inoculation certificate. (To be filled, if possible, at the time of the issue of the pilgrim-pass; otherwise at the time of registration at the port of embarkation.)

عکسی از «پروانه زیارت» حاجی عبدالسلام نروری - جاوید اذر، برادرزاده نروری است که این «پروانه زیارت» را به یادگاری ارزشمند نگه داشته است.

در سال ۱۹۳۶ عبدالسلام نروری - از تاجرهای منطقه امیراکدل از توابع کشمیر - در سن ۳۶ سالگی از راه کراچی به حج رفت. «پروانه زیارت» او تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۳۶ به شماره ثبت K۶۵۳ صادر شد که مُراد از K، ایالت کشمیر است. کارت واکسن او

دارای مُهر و امضای دکتر بگوان داس - معاون اداره بهداشت شهرداری شهر کراچی - است. رفت و آمد او به حج شش ماه طول کشید. کشتی که عبدالسلام نروری با آن سفر می کرد، به جای جدّه مجبور شد که در عدن (یمن) لنگر بیندازد؛ چون در بندر جدّه درگیری نظامی در گرفته بود. او از بندر عدن با شتر، و بعد با قطار خاصی به مکه رفت. سفر یک طرفه با کشتی پانزده روز طول کشید. در برگشت او به قبرستان موجی دروازه در شهر لاهور رفت؛ چون عمویش که بیست سال پیش هنگام برگشت از حج در گذشته بود، آنجا دفن شده بود.

تا سال های سال برای مردم جنوب آسیا رفتن به حج فقط از راه دریا ممکن بود. صد سال پیش حاجی ها از بندرهای کراچی و کلکته راهی می شدند و بعدها بمبئی افزوده شد. زائران حج کشمیر از راه ایالت پنجاب خود را به بندر کراچی می رساندند. کشمیری ها تا سال ۱۹۴۷ از این راه برای رفتن به حج استفاده می کردند.^۲

مسافت سری نگر و کراچی ۶۱۱ کیلومتر کمتر از مسافت سری نگر و بمبئی بود. به علاوه مسافت کراچی - جدّه ۵۸۹ مایل دریایی کمتر از بمبئی - جدّه بود.

حاجی ها هفته ها قبل خود را به بمبئی می رساندند و منتظر کشتی و بلیط می شدند. گاهی گرفتن فُرْم و تحویل مدارک بیست روز طول می کشید. در دفاتر کشتی رانی صف های دراز دیده می شد. چون بیشتر حجّاج یا بی سواد یا کم سواد بودند و برای پُر کردن فُرْم ها وقت زیادی گرفته می شد. سپس حاجی ها به «مسافرخانه صابو صدیق» می رفتند. این مسافرخانه به نام خیرری، که در ۲۶ سالگی در گذشته بود، به این نام گذاشته شده بود.

1. Deputy Health Officer, Karachi Municipality.

۲. در سال ۱۹۴۷ کشور هندوستان تقسیم، و کشور پاکستان تشکیل شد.

هرگز نمی شد به تاریخ نوشته شده روی بلیط اعتماد کرد. بارها پیش می آمد که حرکت کشتی ها به عقب می افتاد و گاهی حاجی ها مجبور می شدند بیش از یک ماه به انتظار بنشینند.

در سال ۱۹۳۶، برای راهنمایی زائران حج جدول حرکت کشتی ها در شهر سری نگر چاپ شد. در این اعلامیه رسمی نام سه کشتی آمده است: «اس. اس. جهانگیر»، «اس. اس. اسلامی»، «اس. اس. رحمانی»، «اس. اس. علوی» که تحت ملکیت «کمپانی میسرز ترنزوماریسون»^۲ از بندر کراچی و بندر بمبئی حرکت می کرد. خط کشتی رانی مغول - «شرکت دریانوردی کشتی بخار بمبئی و پرشیا»^۳ در سال ۱۹۳۷ آگهی چاپ کرده بود که در آن نام کشتی «اس. اس. رحمانی»، «اس. اس. اکبر» و «اس. اس. رضوانی» دیده می شود. این کشتی ها از بندر کراچی و بمبئی زائران را به حج می بردند.^۴

در سال ۱۹۷۵، خط کشتی رانی مغول، کشتی دیگری به نام «نور جهان» را معرفی کرد که رفت و برگشت زائران حج را از بمبئی به جدّه برعهده گرفت. «نور جهان» تا سال ۱۹۸۵ فعال بود. سپس خط کشتی رانی مغول، کشتی «ام. وی. اکبر» را راه اندازی کرد که تا سال ۱۹۹۵ تنها کشتی ای بود که زائران حج را از بمبئی به جدّه می برد. بعدها «ام. وی. اکبر» به دلیل وضعیت بد دریا متوقف شد.

۱. «اس. اس.» کوتاه شده Steam Ship (کشتی بخار) است.

2. Messrs Turner, Morison and Company Ltd.

3. The Bombay and Persia Steam Navigation Company Ltd.

4. File No 418 / P. N. - 24, The Prime Minister, Publicity Branch, 1936, Archives Repository, Jammu.

در سال ۱۹۹۴، که آخرین کشتی حجاج از بمبئی حرکت کرد، تعداد حجاج سراسر هندوستان ۲۵۶۸۵ نفر بود که از بین آنها ۴۶۵۰ حجاج با این کشتی، و بقیه با هواپیما عازم شده بودند^۱.

در سفر با کشتی برای حجاج غذا و میان وعده داده می شد: چای صبحگاهی، صبحانه، ناهار، چای عصرگاهی و شام. چون در کشتی پخت و پز به شدت ممنوع بود. حجاج عرشه - که کابین نداشتند - برعکس حجاج درجه اول و دوم باید هنگام خرید بلیط بین نان یا برنج ماهی خشک یا غذای سبزی دار را انتخاب می کردند. البته حاجی‌ها با پرداخت پول بیشتر می توانستند غذاهای دیگری هم سفارش دهند: سوپ کاسه‌ای ۱ روپیه و ۷ آنه، گوشت قرمه و کوفته بشقابی ۳ آنه، بریانی بشقابی ۷ آنه، شامی کباب هر تکه اش ۹ پای، تخم مرغ آب پز ۱ آنه و ۶ پای، تخم مرغ نیم رو ۲ آنه و ۳ پای، برنج و خورش بشقابی ۶ آنه، برنج خالی بشقابی ۱ آنه و ۶ پای، حلوا بشقابی ۳ آنه، چای بدون شیر فنجانی ۹ پای، چای با شیر فنجانی ۱ آنه ۲، قهوه با شیر فنجانی ۲ آنه، پرتقال ۱ آنه و ۶ پای و سیب ۲ آنه.

به یاد داشته باشید که در هندوستان پیش از سال ۱۹۵۷، هریک روپیه برابر ۱۶ آنه و هر ۱۲ پای برابر آنه بود^۳.

در کشتی، همه آشپزها و کارکنان مسلمان بودند. مسافره‌ای عرشه باید همراه خود بشقاب، کاسه و ظرف می داشتند تا در ظرف‌های خودشان غذا بگیرند.

1. Central Haj Committee, Mumbai, www.hajcommittee.gov.in/previous_records.aspx
2. File No 418 / P. N. - 24, The Prime Minister, Publicity Branch, 1936, Archives Repository, Jammu.

۳. در هندوستان کنونی دیگر «آنه» و «پای» رواج ندارد. فقط «روپیه» رایج است.

سه‌میه آب خوردنی - که یک قطره اش هم نباید دور ریخته می‌شد - هر دو ساعت یک بار و چهار بار در روز بود.

جای بسی افسوس است که روزنامه‌های مارتند (Martand) و کشمیر تایمز (Kashmir Times) از چاپ اعلامیه جدول حرکت کشتی‌های حجاج خودداری می‌کردند؛ چون این روزنامه‌ها در ملکیت گروه خاصی بودند. اگر دولت هزینه چاپ این اعلامیه‌ها را پرداخت می‌کرد در آن صورت این دو روزنامه چاپ می‌کردند.

از کراچی و بمبئی کرایه برگشت همراه غذا با کشتی «شرکت میسرز ترنر و ماریسون» برای حجاج درجه اول ۶۰۲ و ۶۲۶ روپیه، برای حجاج درجه دوم ۴۲۷ و ۴۵۱ روپیه و برای حجاج عرشه ۱۷۲ و ۱۷۸ روپیه می‌شد.

مطابق کتابچه سال ۱۹۳۷ خط کشتی رانی مغول - «شرکت دریانوردی کشتی بخار بمبئی و پرشیا» - کرایه‌های درجه کابین‌ها ۲ روپیه و ۴ آنه با هم فرق داشتند. بلیط برگشت از بمبئی تا جدّه ۱۵۰۰ روپیه می‌شد. (کشمیری، ۱۹۵۸، ص ۵۰)

پس از سال ۱۹۴۷، وقتی اداره امور حج به ایالت‌های هندوستان سپرده شد، حجاج یک جا و در یک روز حرکت می‌کردند و برمی‌گشتند. حجاج از سری‌نگرتا پتان کوت، مسیر ۴۲۷ کیلومتری زمینی را با اتوبوس طی می‌کردند. از پتان کوت تا بمبئی را با قطار و از بمبئی تا جدّه را با کشتی سفر می‌کردند.^۱

در سال ۱۹۷۲ ایستگاه راه‌آهن جَمّون راه‌اندازی شد و دیگر حجاج کشمیری از راه‌آهن پتان کوت استفاده نمی‌کردند.

۱. دولت هندوستان در نظر دارد که خط کشتی رانی را در سال ۲۰۱۹ دوباره راه‌اندازی کند. کشتی جدیدی که گنجایش پنج‌هزار حاجی را دارد و مسافت بمبئی - جدّه را سه روزه طی می‌کند.

بیسویں سے ۱۹۴۱ء اور ۱۹۴۰ء سے ۱۹۳۹ء تک کی جنوری کے
 کھلنے سے ۱- "برمانی" ۱۹۴۱ء سے ۲- "بھائی" ۱۹۴۰ء سے ۳- "بھائی" ۱۹۳۹ء سے

بیسویں سے پرانے کراچی جہاز کو
 بیسویں سے ۱۹۳۳ء تک کی جنوری کے ۱۱ جنوری کے
 "بھائی" ۱۹۳۳ء سے ۱۹۳۲ء سے ۱۹۳۱ء سے ۱۹۳۰ء سے

نہ سب سے ذیل دیا گیا کہ تاریخیں ہیں۔ صحیح و غلطی کا، کیونکہ بعد میں مشورتی جائیں گی۔
 بیسویں سے "بھائی" ۱۱ جنوری اور کراچی سے ۱۵ جنوری کے
 "بھائی" ۱۹۳۰ء سے ۱۹۲۹ء سے ۱۹۲۸ء سے ۱۹۲۷ء سے
 "بھائی" ۱۹۲۷ء سے ۱۹۲۶ء سے ۱۹۲۵ء سے ۱۹۲۴ء سے

کراچی جہاز (جن میں کوئٹہ اور حکومت کے مقررہ تین ٹرینوں کے لیے ۱۹۳۳ء)
 اور دیگر تین جہازوں سے مل آؤں گے۔ اس سے جہازوں کے
 بیس دو روپے چار آنے بطور اخراجات آمدورفت بھی ملے ہیں)

واپسی اور خوراک

بھائی تا جہاز	کراچی تا جہاز	کھلنے تا جہاز
۶۲۸-۴-۰	۶۰۳-۴-۰	۶۰۳-۴-۰
۲۵۳-۴-۰	۲۲۹-۴-۰	۵۲۴-۴-۰
۱۸۰-۴-۰	۱۴۲-۴-۰	۲۳۳-۴-۰

واپسی اور خوراک کے لئے مل سکتے ہیں
 تمام ریاستوں اور حکومتوں کے چوں سے خط و کتابتیں
 گورنمنٹ ٹرانسپورٹ کمپنی انڈیا لمیٹڈ کراچی کمپنی انڈیا لمیٹڈ کھلنے
 ٹرانسپورٹ کمپنی انڈیا لمیٹڈ کراچی کمپنی انڈیا لمیٹڈ کھلنے

آگهی «شرکت میسرز ترنرو ماریسون» در سال ۱۹۳۷

در سال ۱۹۶۷ برای آسایش حاجی‌ها قانون‌های جدیدی وضع شد. به شرکت‌های کشتی‌رانی دستور داده شد که جدول موقتی حرکت خود را شش تا نه ماه قبل آماده کنند و جدول نهایی را دست کم پانزده روز پیش از حرکت منتشر کنند.^۱ با انتشار آن جدول موقت، رزرو هم شروع می‌شد. به حاجی‌ها گفته می‌شد

۱. به شماره ۱۷ در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۶ از چاپ‌خانه دولتی، بخش اطلاع‌رسانی حکومت جموں و کشمیر (Department of Information, Jammu & Kashmir Government) چاپ شد.

که مشخصات خود را با درخواست هایشان بفرستند. هر حاجی بالغ صد روپیه و هر حاجی نابالغ پنجاه روپیه پول پیش می داد.

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۶ دولت هندوستان یک دفترچه دستی چاپ کرد که در آن به حاجی ها خبر داده شد یک روز پیش از حرکت وسایل خود را به «اداره گردشگری»^۱ تحویل دهند و روز حرکت، صبح زود به مرکز واکسیناسیون بروند و از همان جا با اتوبوس به بندر می رفتند تا سفر روحانی شان را آغاز کنند.

حاجی هایی که جایی رزرو نکرده بودند و به بمبئی آمده بودند باید به دفاتر کشتی رانی درخواست نامه ۱۰ روپیه، و عکس خود را تحویل دهند. حاجی هایی که از پیش رزرو کرده بودند، باید سه روز پیش از حرکت از بمبئی بلیط می خریدند.

همچنین حاجی ها باید وسایلشان را یک روز پیش از حرکت از شهر سری نگر تحویل می دادند. در یک اطلاعیه دولتی، که در سال ۱۹۶۸ صادر شده است، روز حرکت از بمبئی ۲۹ ماه می بود.^۲ حاجی ها باید وسایلشان را روز ۲۸ ماه می بین ساعت ۱۰ صبح تا ۴ عصر به محمد یوسف رفیقی، کارمند بخش حج «اداره گردشگری» تحویل می دادند و فردای آن روز ساعت ۶:۳۰ صبح به مرکز واکسیناسیون می رفتند به حاجی ها گفته شده بود که روز ۲۵ ماه می نزد رئیس بخش اداره سیاسی در منطقه شیرگری حاضر شوند و بقیه کرایه کشتی، اتوبوس و قطار را پرداخت کنند.^۳ این اعلامیه را دُواریکا نات - معاون اداره حج^۴ - صادر کرده بود.

1. Tourist Reception Centre.

۲. این اعلامیه را دبیرکل اداره سیاسی حکومت جموں و کشمیر (Chief Secretariat, Political Department, Jammu & Kashmir Government) در تاریخ ۱۳ می ۱۹۵۸ صادر کرد.

۳. همان.

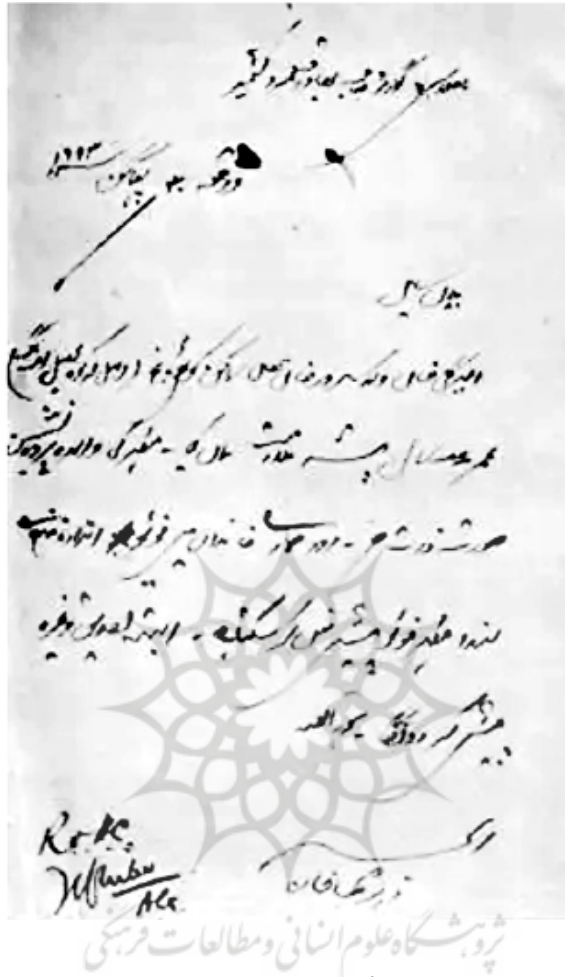
4. Secretary Haj Committee.

حجّاجی که از راه دریا سفر می‌کردند - چه درجه اول و چه درجه دوم - باید مالیات را هنگام خرید بلیط پرداخت می‌کردند و با خود می‌توانستند ۳۴۰۰ روپیه ببرند. حجّاج عرشه، از پرداخت مالیات معاف بودند و ۲۴۰۰ روپیه می‌توانستند با خود ببرند. (کشمیری، ۱۹۵۸، ص ۵۶)

تا چند دهه پیش، زنان حاجی اندکی از کشمیر به حج می‌رفتند، اما بعداً تعداد آنها به سرعت افزایش یافت. بنا به آمار «کمیته ایالتی حج»، در سال ۲۰۱۵ تعداد حاجی‌های زن اهل کشمیر ۲۵۴۹ نفر بود. در سال ۲۰۱۶ تعداد آنها به ۲۶۴۴ نفر، در سال ۲۰۱۷ به ۳۳۳۲ نفر و در سال ۲۰۱۸ به ۳۷۴۵ نفر رسید.

زمانی بود که زن‌ها برای مدارک سفرشان حاضر نبودند عکسشان را بدهند؛ چون در جامعه، عکس گرفتن از زن و ضمیمه کردن عکس در مدارک بد شمرده می‌شد. در سال ۱۹۷۸ امیر گل خان از روستایی در آنت ناگ، فرم حج را به استاندار ایالت کشمیر داد تا برای مادرش - گل بی بی همسر سرور خان پتان - گذرنامه صادر کند تا مادرش همراه دوزن دیگر بتواند به حج برود. آن دوزن مدارک سفر را دریافت کرده بودند و با بی صبری منتظر مادر گل خان بودند. گل خان باید برای مدارک، عکس مادرش را هم به اداره می‌داد، اما گل خان به استاندار نوشت که مادرش حجاب می‌کند و چون در خاندان ما زن اجازه ندارد عکس بگیرد، برای همین او نمی‌تواند عکس مادرش را بفرستد. البته او مدارک دیگری را می‌تواند بفرستد.^۱

۱. نامه نگاری امیر گل خان با اداره دولتی موجود در آرشیو منطقه جَمُون (Archives Repository، Jammu).



نامه امیرگل خان به مسئول مربوطه

تا همین اواخر، حجاج کشمیری همراه خود برنج، سبزی خشک، ادویه جات، فلفل، زردچوبه، نمک، ماهی خشک، چای سبز و تُرشی می بردند تا در این مدت دور از خانه، از غذای خانگی تناول کنند. قلیانی های حرفه ای با خود قلیان و تنباکو هم می بردند. حیف که الآن اجازه بُردن این چیزها نیست. حجاج، رختخواب و صندوق بزرگ استیل می بردند و در آن لباس و خوراکی می گذاشتند. در تمام ایام حج باید از این وسایل مراقبت می کردند. در برگشت، در این صندوق، برای خاندان،

بستگان و دوستانشان هدیه‌هایی مانند خرما، تسبیح، جانماز، ساعت جیبی، ساعت مچی، پارچه، رادیو، ضبط صوت ترانزیستوری، ویدیو، سُرمه می خریدند. امروزه هر حاجی فقط می‌تواند پنج لیتر آب زمزم با خود ببرد. در قدیم هیچ منعی نبود و حاجی هر چقدر می‌توانست آب زمزم می‌آورد. حاجی‌ها این آب مقدّس را در گالن‌های بزرگ پُر می‌کردند.

در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از عربستان «معلّم»‌هایی (راهنما) به کشمیر می‌آمدند تا برای حاجی‌های کشمیری در مکه معظمه و مدینه منوره جای اقامت رزرو کنند. «معلّم» شهروند عربستانی بود که مالک چند خانه در این دو شهر مقدّس بود و خانه‌هایش را همراه غذا به حجاج کرایه می‌داد. به علاوه این «معلّم» راهنمای حجاج می‌شد.

معلّمی به نام زین العابدین در کشمیر حسابی کارش گرفته بود. او پیش از ایام حج اینجا می‌آمد و نام حجاج را ثبت نام می‌کرد. برای رونق کارش کتابچه‌ای درباره مکان‌های مذهبی مهم و مساجد مکه معظمه و مدینه منوره تقسیم می‌کرد.

استقبال و بدرقه حجاج

در کشمیر چه رفت و چه برگشت حجاج با جشن و سُرور بود. مردم حجاج را با فریادهای بلند الله اکبر و.. تا «اداره گردشگری» همراهی می‌کردند. بچه‌های هیجان‌زده هم با دیدن این شور و شوق، در مراسم شرکت می‌کردند تا جواب فریادها را با صدای بلند بدهند. همین‌که حجاج از خانه‌شان بیرون می‌آمدند، زن‌های خاندان و همسایه‌ها روی سر و روی‌شان شیرینی می‌پاشیدند.

افراد خاندان، که وُسع مالی داشتند، تا پُتان‌کوت می‌رفتند و تا آنجا حجاج را

۱. در زبان اردو همین اصطلاح «معلّم» به کار می‌رود. (یادداشت مترجم)

بدرقه می‌کردند. در روستاهای کشمیر هنگام حرکت حجاج خوشحالی موج می‌زد. هنگام برگشت حاجی‌ها آستانه درست می‌کردند. خاندان، بستگان و همسایه‌ها به ضیافت باشکوهی دعوت می‌شدند و البته آنها هم حاجی را به میهمانی مجللی دعوت می‌کردند.

ارسال و دریافت تلگراف

در قدیم، که تلفن و دیگر وسایل ارتباطی نبود، حاجی فقط از راه نامه با خاندانش در ارتباط بود و دریافت و ارسال نامه‌ها هفته‌ها زمان می‌برد.

مردم امروز که در فضای مجازی لحظه به لحظه با خاندان خود در ارتباط هستند به سختی می‌توانند باور کنند که حاجی‌های قدیم ماه‌ها از خانواده خود بی‌خبر می‌ماندند. تلگراف تنها راه ارتباط سریع بود که به دلیل حجم واژگان و هزینه مالی، گاهی اوقات فرستنده خبر خوش می‌رساند، اما گیرنده خبر بد برداشت می‌کرد و نگران می‌شد.

در آغاز سال ۱۹۷۰ یکی از حجاج منطقه اوری کشمیر، پس از انتظار طولانی در بمبئی، وقتی بالاخره زمان حرکت فرا رسید، به خانواده‌اش تلگرافی دو کلمه‌ای نوشت: Sailing Today (امروز حرکت کردیم). خانواده‌اش تلگراف را این‌طور خواندند: Ailing today (امروز بیمارم) و این خبر، تمام خانواده را نگران و ناراحت کرد. یکی از افراد خاندان برای خبرگیری حال حاجی به بمبئی سفر کرد. وقتی او به آنجا رسید، گفتند که دوست محمد و دیگر حاجی‌ها خیلی وقت است که به جدّه حرکت کرده‌اند.^۱

۱. زمانی میر عبدالرشید - از همسایگان دوست محمد خان - این ماجرا را برای نویسنده مقاله تعریف کرده بود.

Sr.No	District	2016			2017			2018			2019		
		M	F	Total	M	F	Total	M	F	Total	M	F	Total
1	ANANTNAG	668	562	1230	530	442	972	882	565	1447	469	363	832
2	BANDIPORA	240	170	422	152	85	237	123	79	204	115	77	192
3	BARAMULLA	706	531	1237	526	417	943	819	219	728	443	319	762
4	BUDGAM	538	390	928	445	291	736	392	271	663	345	239	584
5	DODA	128	73	201	38	20	58	24	10	34	45	26	71
6	GANDHARBAL	212	140	372	183	140	323	142	105	247	140	105	245
7	JAMMU	63	47	110	30	25	55	30	19	49	31	24	55
8	KARGIL	65	16	101	35	17	52	23	14	39	44	12	56
9	KATHUA	51	20	71	17	12	29	4	4	8	11	7	18
10	KISHOTWAR	83	42	125	17	8	25	6	4	10	29	17	46
11	KULGAM	293	234	527	238	171	409	160	128	288	191	148	339
12	PULWANA	524	370	894	246	176	424	154	107	261	221	147	368
13	LEH	15	9	24	15	11	27	17	17	34	12	9	21
14	POONCH	216	125	341	75	26	101	53	13	65	104	43	145
15	PULWAMA	842	365	1207	452	363	815	430	302	732	410	294	704
16	RAJOURI	251	151	404	84	45	129	79	31	110	128	57	185
17	RAMBAM	117	67	184	16	11	46	13	4	17	61	20	81
18	REASI	72	27	99	9	2	11	3	1	4	11	13	44
19	SAMBA	12	10	22	10	9	19	4	3	7	10	5	15
20	SINOPUR	218	195	413	202	222	424	269	237	486	171	140	311
21	SINAGAR	868	752	1620	1195	1025	2220	873	751	1624	826	717	1543
22	UDHAMPUR	30	15	64	9	2	16	10	5	15	12	5	22
	TOTAL	5817	4379	10196	4578	3525	8103	3695	2788	6483	3858	2781	6639

آمار «کمیته ایالتی حج» از تعداد حجاج شهرستان های ایالت جموں و کشمیر،

هندوستان در بین سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۸

در سال ۱۹۵۸ از کشمیر ۱۴۱ حاجی عازم شدند که در بین شان ۲۵ زن و ۲ کودک بود. فاضل کشمیری - شاعرو دبیر دبیرستان که سال ها بعد از جایگاه ادبی مشهوری برخوردار شد -^۱ یکی از این حجاج بود. (کشمیری، ۱۹۵۸، ص ۶۶)

حجاج اهل کشمیر صبح زود ۲۵ می روز پنجشنبه خود را به «اداره گردشگری» رساندند و نزدیکان، آشنایان و دوستانشان آنها را بدرقه، و هنگام حرکت آنها را گل باران کردند. (همان) مردم در دو طرف خیابان ایستادند و حاجی ها از بین آنها رد شدند. صدای دعاهای بلند در هوا می پیچید.

۱. غلام احمد فاضل کشمیری (۱۹۱۶-۲۰۰۴) شاعرو مترجم مشهور کشمیری.

کاروان اتوبوس حجاج در ساعت ۱۰ صبح به آنت ناگ و در ساعت ۱۰:۳۰ صبح به قاضی گُند رسید. حاجی احمد امین، کارمند کمیته تازه تأسیس حج ایالتی همراه حجاج بود. (کشمیری، ۱۹۵۸، ص ۵۳)

در طول مسیر هم مردم منتظر رسیدن کاروان حجاج می شدند، به استقبالشان می رفتند و دستان آنها را می بوسیدند. کاروان حجاج در هفت شب به جَمون رسید. شب را در مسافرخانه ای در تالاب گدیان به سر بردند و روز بعد با اتوبوس به پَتان کوت رفتند. آنها تمام شب را در ایستگاه راه آهن ماندند. قطار ساعت ۵:۳۰ صبح حرکت کرد. در قطار حجاج برای خودشان غذا پختند. در تاریخ ۲ ژوئن کاروان حجاج به بمبئی رسید و مورد استقبال مردم قرار گرفتند. یکی از استقبال کنندگان، غلام احمد پَرَدیسی کشمیری - تاجر کشمیری ساکن بمبئی - بود. حجاج به «مسافرخانه صابو صدیق» رفتند و تا ۹ ژوئن آنجا ماندند. در این مدت آنها برای خود چتر، لباس احرام، شیر خُشک، بادبزنی دستی، زغال چوبی، حبوبات، سطل و میوه خریدند.

حجاج پس از بازرسی وسایل و امور گمرکی، در تاریخ ۹ ژوئن با کشتی «اس.اس. رضوانی» راهی جده شدند. ناخدای کشتی بی.ام.جی. مک لَنهان بود. بسیاری از حجاج برای نخستین بار بود که با کشتی سفر می کردند و دچار سرگیجه و تهوع شدند. در طول سفر به آنها چای صبحگاهی با بیسکویت، ناهار، چای با شیر در عصر و شام داده شد. هر وعده غذایی شامل گوشت یا سبزی، ترشی و دال [نوعی لپه که با پیاز و ادویه پخته می شود] بود. تا ۱۳ ژوئن در یازدگی حجاج برطرف شد. تا عدن هر روز با بلندگو اعلام نمازهای جماعت می شد. پس از نماز «معلم ها» درباره حج سخنرانی و موعظه می کردند.

در نخستین ساعت روز ۱۶ ژوئن کشتی به بندر عدن رسید و حجاج پس از روزها سفر دریایی ساحل دریا و دامنه کوه‌ها را دیدند. کشتی برای ۶ ساعت لنگر انداخت. در این مدت به حجاج اجازه پیاده شدن از کشتی ندادند. آب خوردنی تازه در کشتی بار زده شد. فروشندگان دوره‌گرد خود را به کشتی رساندند. حجاج از همین عدن به خانواده‌هایشان نامه فرستادند. سه روز بعد در ۱۹ ژوئن به جدّه رسیدند. فاضل کشمیری دربارهٔ جدّه و حجاج چنین نوشته است:

این جدّه است؛ شهری که در بین ساحل دریا می‌درخشد و خانه‌هایش مانند بمبئی است. هیچ خانه‌ای خشتی نیست، همه آجری‌اند. ساختمان‌ها ۸ یا ۹ طبقه است. خیابان‌ها پهن هستند و ماشین‌ها به راحتی در رفت‌وآمد هستند. اینجا از آگاس و تانگا خبری نیست. البته چکرا برای کرایه است که بسیار گران‌تر از این ماشین‌های شیک است. مثل لال چوک هم اینجا تانگا دیده می‌شود که منتظر مسافرنند. ماشین‌های زیبا، داخل جدّه مسافران را جابه‌جا می‌کنند. همه بازارها مثل آمبولانس دیده می‌شوند.^۱ (کشمیری، ۱۹۵۸، ص ۸۹، ص ۴۰)

در حجاج، در بطری‌های دربسته کوکا کولا فروخته می‌شود. مثل آب معدنی است ولی رنگش سیاه و خیلی شیرین است و گرما و عطش حجاج را برطرف می‌کند. کوکا کولا نوشیدنی گوارا و مفیدی است؛ هرچقدر بخواهی می‌توانی بنوشی. هر بطری کمی بیش از یک ریال است.

۱. فاضل کشمیری از سه وسیلهٔ نقلیهٔ رایج در هندوستان آن زمان نام برده است: «آگاس»: کالسه‌ای که بایک اسب و دو چرخ حرکت می‌کرد. «تانگا» درشکه. «چکرا»: در اینجا یعنی مسافر روی چارپا (مانند الاغ) می‌نشیند و سفر می‌کند. فاضل کشمیری همچنین از «لال چوک» میدان معروف تجاری در شهر سری‌نگر نام برده است.

حجّاج نیمه شب به مکه رسیدند و پس از انجام دادن مناسک حج به مدینه راهی شدند؛ برخی با اتوبوس، برخی با تاکسی و برخی مانند فاضل کشمیری با هواپیما. در برگشت او و چهار نفر از همسفرانش با کشتی «اس.اس. مظفری» از جدّه حرکت کردند و دوازده روز بعد در تاریخ یکم اوت به بمبئی رسیدند. بقیه حجّاج با کشتی «اس.اس. رضوانی» برگشتند. فاضل کشمیری در ۶ اوت به خانه اش در کشمیر رسید. بعدها او کتابی به زبان اردو با عنوان «تصویر حج» چاپ کرد که جزئیات سفر را با نقاشی های زیبایی به تصویر کشید. او هزینه متوسط سفر حج را ۱۵۰۰ روپیه برآورد کرد و نکته به نکته سفر رفت و برگشت سری نگر تا مکه و مدینه را توضیح داد.

حجّاجی که در برگشت بارشان بیش از پانصد روپیه می بود، باید ابتدا به گمرک بمبئی می رفتند. بنابراین برای دردسر از مسائل گمرکی، هر حاجی می توانست برای سوغاتی اینها را بیاورد: ساعت جیبی و ساعت مچی، خودنویس، گرامافون، اسباب بازی، آب زمزم، ظرف، عکس های مقامات مقدّس، خاک مدینه، کتاب های مذهبی و دارو برای استفاده شخصی که بیش از ۳۰ روپیه نشود، ملحفه شخصی، ۴ تا ۶ شال نخی، ۴۲ یارد پارچه شسته شده با آب زمزم، مُهره تا ارزش ۲۵ روپیه، خرما و دوربین ۷۵ روپیه، دوچرخه، چرخ خیاطی، دستگاه تایپ دستی مسافرتی، ۱۰۰ نخ سیگار، ۲۵ پاکت سیگار و ۲۵۰ بیدی [نوعی سیگار باریک هندوستانی]، نیم پوند تنباکو، یک جعبه سیگار، یک میکروسکوپ دوچشمی، ۳ عدد جانماز که شامل جانماز استفاده شده است. آوردن طلا ممنوع بود و فرد متخلّف دستگیر و مجازات می شد. در سال ۱۹۵۷، برخی از حجّاج به دلیل این قانون شکنی ها زندانی شدند. (کشمیری، ۱۹۵۸م، ص ۴۳)



نکته مثبت سال‌های اخیر که جوان‌ها می‌خواهند در سن جوانی به حج مشرف شوند. درحالی‌که در قدیم بیشتر افراد پیر و مُسن، که از نظر جسمانی هم ضعیف بودند، به حج می‌رفتند. مردم وقتی خود را برای حج آماده می‌کردند که بازنشسته شده باشند، از کاروبارشان آسوده خاطر شده باشند، خانه‌شان را درست کرده باشند، کار تجاری نداشته باشند، فرزندان‌شان را سروسامان داده باشند و بچه‌ها از نظر مالی روی پای خودشان ایستاده باشند. در این صورت بود که خانواده، دوست یا آشنایان او را به حج رفتن تشویق می‌کردند.

خیلی از مردمی که سراسر زندگی‌شان از روستا یا شهرشان بیرون نرفته بودند از سفر با کشتی یا هواپیما می‌ترسیدند. چند سال پیش یک حاجی سوار هواپیما شد، در دوران پرواز به دلیل خرابی هوا، هواپیما تکان خورد و حاجی در صندلیش فرو رفت. چنان ترسیده بود که با عصبانیت زیرلبش به زبان کشمیری گفت: «نوشه کر سازش» (این توطئه عروسم است). چون عروسش او را به رفتن به حج تشویق کرده بود. حالا او فکر می‌کرد که عروس حتماً نقشه کشیده بود تا او در هواپیما بمیرد.

برخی از حاجی های مُسن آرزو داشتند که در همان سرزمین مقدّس بمیرند و همان جا دفن شوند. اگر حاجی در آنجا می مُرد خوش قسمت تصوّر می شد. البته خاندان با شنیدن خبر مرگ او شیون و ناله می کردند.

حاجی پس از برگشت این سفر باسعادت تا ماه ها و گاهی سال ها داستان سفرش را تعریف می کرد؛ شنوندگان هم مشتاقانه و صبورانه به این داستان ها گوش می دادند. حبیب الله وانی، از منطقه سونوار کشمیر، در دهه ۱۹۶۰ فریضه حج را به جا آورد و تا مدت ها در سلمانی محله می نشست و داستان های حجش را تعریف می کرد؛ مردم هم مشتاقانه داستان این سفر مقدس را می شنیدند.

زائران حج پس از بازگشت لقب حاجی به آنها یا به خاندانشان داده می شد. در منطقه چترگام کشمیر خاندانی است که هنوز هم به «حاجی» معروفند. چون یکی از افراد آن خاندان هشتاد سال پیش به حج رفته بود. رمضان حاجی - اهل سونوار - هرگز به حج نرفته بود؛ چون پدر بزرگ پدری اش یا پدر بزرگ پدرش حج کرده بود لقب خاندانی آنها «حاجی» بود.

برخی از حجاج در طول زیارتشان با افرادی ملاقات می کردند که هرگز تصورشان را نمی کردند. حبیب الله پَنزُو، اهل ناید گَدَل، در سال ۱۹۶۶ حج کرده بود و وقتی با میرواعظ^۱، مولوی محمد یوسف شاه ملاقات کرد، از خوشحالی در پوست خود

۱. «میرواعظ» لقبی است که در کشمیر به رهبران برجسته مسلمان داده می شود. میرواعظ مولانا محمد یوسف شاه (۱۸۹۰-۱۹۶۸) در شهر سری نگر به دنیا آمد. در فاصله سال های ۱۹۳۱ تا ۱۹۶۸ میرواعظ کشمیر بود و در سال ۱۹۳۳ «حزب مسلمانان آزاد» را بنیان نهاد. وی نخستین چاپ خانه ملی اسلامی (قومی پریس مسلم پرنٹنگ) را در کشمیر تأسیس کرد. وی در کشمیر «دانشکده شرق شناسی» (اورینتل کالج) دایر، و همچنین بیست سوره از قرآن کریم را به زبان کشمیری ترجمه کرد. (یادداشت مترجم برگرفته از سایت زیر:)

نمی‌گنجید. وقتی از میرواعظ دربارهٔ محل زندگی اش پرسید، گفت چندین بار در خانه حبیب‌الله غذای زیادی و لذیذی خورده است؛ به ویژه ساگ.

مریدان سرسخت میرواعظ که مانند هزاران نفر دیگر به جدایی از کشورشان راضی نشدند^۱ و تا سال ۱۹۴۷ در مظفرآباد کشمیر در تبعید به سر بردند، نتوانستند احساسات خود را کنترل کنند و با دیدن هم‌وطنش با خوشحالی فریاد زدند: «یه بز لگه بلایه» (زندگی ام فدایت).

کتاب‌نامه

۱. شبیر، مولوی علی، (۱۳۴۷ بصری)، مزاراتِ حرمین یعنی مکه معظمه و مدینه منوره کے مشہور مزارات و مقابر کی جامع و مفصل تاریخ، حیدرآباد دکن: مطبع نور الاسلام۔
۲. کشمیری، فاضل، (۱۹۵۸)، تصویر حج،؟
3. Central Haj Committee, Mumbai, www.hajcommittee.gov.in/previous_records.aspx
4. File No418/P. N. _ 24, The Prime Minister. Publicity Branch, 1936. Archives Repository, Jammu.
5. https://kbahmad05.medium.com/kashmir_to_kaba_d45d8903b7b3
6. https://www.jammukashmir.info/2021/08/mirwaiz_maulana_yusuf_shah.html

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. منظور، سال‌های نزدیک به تقسیم هندوستان (سال ۱۹۴۷) است که مسلمان‌های هندوستان را مجبور می‌کردند وطنشان را ترک کرده به پاکستان تازه تأسیس بروند. (یادداشت مترجم)



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی